

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی سردبیر ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورنتوی ایالت آنتریوکا، کانادا

۲۲ اکتوبر ۲۰۱۶

## حضرت صبغت الله مجددی که از خانواده شتر مرغ (ام راول) است،

### خواب دید

استخاره کردیدی یا که خواب دید یا اینکه قره فال زدی لب آب دید

کردی جنایت هنوز نکردی توبه پیر خری، مگر خود شباب دیدی

شاعری وزن و بیترازو

عبدالله عبدالله به عربستان سعودی سفر کرد مجددی که در تلویزیون دید به یادش آمد که مامجاهدین کرام! روزی که در مکه سوگند خوردیم وقتی که به پاکستان برگشتیم آی اس آی مارانگذاشت که سر قسم خودمانندکوه هندوکش استوار بمانیم در موجهای دریای سیاست به خس ناچیز تبدیل شدیم.

خدا همین عبدالله عبدالله را نشر ماند! که به سیاف یک بینی خمیری شود سیاف که در این وقت هابیچاره شده باعز می گوید که او مردم افغانستان از خدا بترسیدمجاهد کرام! را در پهلوی طالب و داعش قرار ندهید مردم می گوید کشتار تان در پشاور، و در افغانستان در شهرها، در قریه ها، در دشتها، در کوه ها خلاصه در جنگهای تنظیمی کابل که سگ جنگی های کابل که از آن جنگهای کابل نه تنها ویرانی های بیشمار ۶۴ هزار کشته به جای ماند مگر فراموش تان شده.

روی داوود و دار و دسته داوود، حزب و دار و دسته حزب دموکراتیک خلق را جنایت شما سفید کرد فراموش کردید؟ و طالب روی شما سفید کرد، کرسی، عبدالله و غنی روی داعش و القاده را سفید کرد با هلیکوپترها به دستور بادران شان جنایتکاران را به ولایات انتقال دادند تا مردم بیگناه را بکشند و اینها کمک های بین المللی را بگیرند.

وقتی که مجددی در تلویزیون سفر عبدالله را به سعودی می بیند با خود می گوید اگر از رفتن عبدالله و نور می دانستم وزود خبر می شدم می گفتم اگر حج عمره می کنیدی شیطان را سنگ نزنید.

از دیدن و شنیدن خبر در تلویزیون که عبدالله به سعودی رفته، شب خیلی ناراحت بودم مرا خواب نمی برد فکرمی کردم که در زیر پهلوی ما خرمیگلان کاشته اند در خانه گفتند چرا خواب نمی کنید؟ مگر بواسیر های شما باز تور خورده؟ گفتیم: نه هر روز که پیرتر می شوم گذشته هایم به یاد می آید مرا الذیت می کند و وقتیکه که در بیداری سر چیزی چرت بز نم حتمی در خواب من می آید بیدارم تلویزیون که عبدالله عبدالله به مکه رفته خدایم داندم که من چه حال داشتم و سردیگر رهبران چه گذشته خوب است که محمدی، خالص و ربانی زنده نیستند و گرنه مثل من کره می انداختند.

آنروزی که ماسران مجاهددرخانه خداسم کردیم وقسم خودرابه خاطر خودخواهی ومزدوری به پاکستان شکستیم رنج وجدانی مراشکنجه می کند من مثل سیاف بی وجدان نیستم که باپروئی بگویم اومردم مجاهد را درپهلوی داوود، حزب دموکراتیک خلق، طالب، داعش، کرزی، غنی القاعده مجاهدین از نگاه جنایت قرارندهید ما بگوئیم مارادرپهلوی دیگر مجاهدین قرارندهیدتاریخ قرارمی دهد.

مردم ازخودعقل وشعوردارندواگرمردم از حیا و شرم حضور وبازترس نگویندکه دم سگ سگ است سرتاپای سگ سگ است داوود، حزب دموکراتیک خلق، مجاهد، طالب، القاعده، داعش، کرزی، غنی وعبدالله تمام اینهاسگ برادر شغال است ولی دردل می گویندهنوزهم مزه جنایت ازدهن رهبران هفت گانه وهشتگانه نرفته مانندشغال هنوزهم قوله می کشندکه مارا درردیف دیگرجنایتکاران قرارندهید.

شب درخانه پافشاری می کردندکه من خواب کنم چرت این رانزمن که مآقرآن کردیم ومآقرآن شکستیم مانندنادرواحمدشاه مسعودکه درقرآن امضاءکردندومسعودگفت:من پهلوآن احمدجان را نمی کشم پهلوآن احمدجان ولی نعمت من است مرا مثل سگ زمان داوود از پنجشیرکشیده بودندپهلوآن احمدجان مرا با دیگرجاسوسان از نورستان به پنجشیرآورد من کی درنمکدان شاش می کنم ولی شاش کرد ولی نعمت خوداحمدجان راگشت.

اگرمن ازدر وجدان پیش بروم نمی توانم مانندسیاف به مردم بگویم مجاهد را در ردیف دیگرجنایتکاران قرار ندهید جنایت مارا فراموش کنیدمن مثل سیاف بی وجدان نیستم وهمان شب تمام اهل خانه من می گفتند تاکی؟ رنج وجدانی می کشی؟ گفتم:مرابه حالم بگذاریدتادم مرگ این رنج هاراباخوددارم مانند بواسیر هایم مرارهایمی کند.

رفتم به کوچ درازکشیدم گفتم: ضیاءالحق گورتوبسوزدکه از ماسگ آی اس آی ساختی وماهم فکر نکردیم که فرق بین ما و رهبران حزب دموکراتیک خلق که سگ برژنف بودندچه است سرم از شدت درد درحال کفیدن بود نمی دانم چطورمراخواب برد.

خواب دیدم که به عبدالله می گویم اوچه درحج عمره شطآن را به سنگ نزن. درحال حرف زدن باعبدالله هستم می بینم چندین هزارانسان صف بسته داکتر فیض، مینا، قیوم رهبر، صادق یاری، اکرم یاری، عزیزالفت، بهاءالدین مجروح، دگروال چنزی و چند نفر دیگر در صف اول ایستاده باخودمی گویم مآقاتل داکتر فیض، مینای بزرگ، قیوم رهبر، عزیز الفت، مجروح، چنزی، جنرال کتوازی، قاری ندرت هستیم.

وهمه وتاریخ مارا به نام جنایتکاروقاتل می شناسد، وجنایت ووطن فروشی مامثل آئینه روشن است که به دستور آی اس آی اینها وهزار نفر دیگر خصوصاً تحصیل یافته هارا ما در داخل ودرخارج ترور کردیم گشتیم ولی اکرم یاری، صادق یاری، حسین طغیان، بهمن وهزاران نفر دیگر که درپهلوی اینهاقرار داردمانکشیم اینهاچطور درپهلوی هم قرار گرفته اند.

ندا از غیب می آید، ای قاتلین بشریت اینها بنده های من بودند یا بنده های شما؟ مگر شما نایب و خلیفه من در روی زمین بودید وهردینی راکه من به وجود آورده ام من حافظ آن دین بودم وهستم نه کس دیگر وشما مرآن قدر ضعیف فکر کردید که من به بنده های خود عده دروغ داده ام که من حافظ دین هستم ولی گذاشتم به جای من جنایتکاران حافظ دین باشند، شما با رذالت تان مرانزدبندگانم خوردوخمیر کردید.

مگر فکر نکرده بودید که من به نام خدا هستم مثل انسان عادت فراموشی، کوری وکری ندارم از نام من استفاده کردید، سردین من تجارت کردید، این کسانی راکه در میدان حشر می بینید که به دست حکومت داوود، رهبران حزب دموکراتیک خلق، رهبران هفت گانه، رهبران هشت گانه، رهبران طالب، رهبران داعش، رهبران القاعده، حکومت حامد کرزی، حکومت عبدالله و غنی کشته شدند بنده های من بودند یا شما؟

با این سؤال خدا، ماهمه زامداران مانندانسان های دامن به پشت سر افکنده در یک صف واحد چپ و راست چشم به زمین انداخته بودیم، در همین وقت در دماغ چند چیز در خواب خطور می کند با آرنج خود به بغل سیاف می زنم می دانی چرا ما را در پهلوی دیگر جنایتکاران خداوند قد داده و تومی گفتی از خدا بترسید ما را در پهلوی دیگر جنایت کاران قرار ندهید این شاهدهی از حق است.

بیشک خداوند حق المبین است دوباره با خود گفتم چرا به عبدالله عبدالله گفتم شما و هیأت همراهان شما در حج عمره شیطان را سنگ نزنید همین حرفها در خواب دردم می گرد که خدارانمی بینم و ندای اورامی شنوم که خدامیگوید قبر تمام این سگهای جنایتکار را در پهلوی قبر احمد شاه مسعود انتقال دهید و جابه جا کنید و بعد به تمام مردم دنیا بگوئید که در مکه تنها مسلمان ها در ایام حج جای شیطان را به سنگ می زدند حالا دیگر ضرور نیست که شیطان را به سنگ در سعودی کسی بزند.

همان طوری که قبله مسلمانان را از بیت المقدس به مکه انتقال دادم، بعد از این در افغانستان ببیند به پنج شیر بروید حالا شیطان های واقعی در پنج شیر است این شیطانها را به سنگ بزنید و در قبرشان چتلی کنید این کار بزرگترین عبادت بشریت بعد از این روز است اگر صواب می خواهید

در همین وقت صدای گرمیس شنیدم از جای خود بلند پریدم دوباره در جای خود نشستم تمام جانم می لرزید و با خود فکر کردم که در آخرین گرمبس و حشمتاک چه سری است ، کمی که آرام شدم عقل به سرم آمد اگر مرا عکک بدخبر فکر نکنید. یا نگوئید که فال بد دیده ام و یا استخاره غلط کرده ام بعد فهمیدم و تعبیر خواب خود را کردم که گلب الدین می آید باز راکت زنی در تمام ولایات افغانستان شروع می شود در همان وقت به سیاف تیلیفون زدم تمام سرگذشت خواب خود را به او گفتم از خدا بترس سر زخم مردم افغانستان نمک پاش نده. آفتاب به دوانگشت پنهان نمی شود ما اگر بدتر از دیگر جنایتکاران تاریخ نیستیم خوبتر هم نیستیم واقعا به گفته قاضی موسی دم سگ سگ است سر تا پای سگ سگ است .

خر عیسی گرش به

محکه بری

چونکه پس آید با

پالان زری

نه به پشتو گفتم نه

به زبان زرگری

حرفهای بالا

گرفته شده از

دردری

حرفهای سیاف است

به مردم حرف خری

گرتو حرف سیاف قبول کنی

باخبر باش که تو

از خدامنکری

خر خرباشد

فرق ندارد که

پالانش باشد زری

راستی نباید خوانندگان این قلم را زحمت بدهم که دنبال فرهنگ دهخدا بگردند **راول** به معنی شتر مرغ است. شتر مرغ در راه که می رود از خود قواره شتر نشان می دهد که اگر بگوئید بار ببر می گوید که من مرغ هستم من بازنده یاد صباح الدین کشکی وزیر مطبوعات دوران زنده یاد موسی شفیق بعد از کودتای حزب دموکراتیک خلق باکریم خان اسحق زی ناظر داوود خان در یک اتاق زندانی بودیم اولین بار کلمه **ام راول** را از زبان زندیاد صباح الدین کشکی واسحق زی شنیدم که برهان الدین کشکی که در بار حبیب الله کلکانی حرف اول می زد او به فرزند خود گفته بود خانواده مجددی را مشروطه خواهان به نام خانواده **ام راول** یاد می کردند.

**خرخر باشد**

**فرق ندارد که**

**پالانش باشد زری**

اگر سرخر پالان زری یا کتاب بار کنید همان خراست نه نام آن تغییری می کند قواره آن، به حرفهای سیاف مردم بازی نخورد که این عالم دین است به نام دین تجارت کردند و دامن به پشت انداختند چشم حیا ندارند معذرت می خواهم این ضرب المثل من نیست از مردم است که گفته اند (**از خون نترس از کونی بترس**) اینها همه شاگردان گلب الدین هستند. این نوشته طنز گونه را شما در چهره حقیقت ببینید و قضاوت کنید. بسیاری جملات این نوشته کنایه آمیز است در لباس یک آئینه روشن تاریخ معاصر افغانستان که جنایت افشار و قندوز مشت نمونه خروار پندارید و چشم پت کنید در عالم سکوت به کانتینر سوزی دوستم فکر کنید که انسانهای زنده در آن لحظه چه نوع دردمانی کشیدند، که دوستم امروز پاداش آن جنایت را با معاونیت اول رئیس جمهوری را گرفته شاید بگوید که جنایت اسپن تا و اتمر کمتر از جنایت دوستم و جنگای تنظیمی کابل است؟ کاکا حالا می خواهد همه را با من دشمن بسازد شما زبان و قلم ندارد که سکوت در برابر جنایتکاری کنید.

همیشه دوستان می گویند روزی آخر هستی ات بر باد می رود زبان سرخ تو سر سبز تر از بر باد می دهد اگر به این خوش هستی که نام تو در تاریخ به خاطر واقعیت گویی تومی ماند. تاحال زنده نیک نام و مرده بدنام در افغانستان کسی نمی شناسد **اندرین راه کشته بسیار است** و شترهای کاروان دایم در پشت خربسته شده هنوز هم مردمان بیخبر از خود در عقب خاینین و جنایتکاران صف بزرگی را از خود ساخته اند خدا هست کرده و یک تعداد انسان ها را جنایتکاران تاریخ می سازد و به پشت خود می کشند مثلیکه یک تعداد افراد هم هنوز در دور رهبران حزب دموکراتیک خلق، در دور رهبران هفتگانه و هشتگانه، در دور طالب، در دور حقانی، در دور القاعده در دور داعش، در دور حامد کرزی، در دور غنی و عبدالله می چرند و هنوز این مردم جنایتکار را نشناخته اند. اینها شترهای هستند که دردم خربسته شده اند امید است که دیگر جنایتکاران مانند صیغت الله مجددی خواب ببینند واقعیت ها را اعترف کنند و از مردم افغانستان معذرت بخواهند و این جنایتکاران تا از ملیت های افغانستان معذرت نخواهند و سیماسمراز وجدان انسانی اش کار نگیرد لست جنایتکاران را که من به او داده ام منتشر نکند و از قاتلین ملیت های افغانستان حمایت کند چشم پوشیدن و سکوت کردن در برابر جنایتکاران خود جنایت بوده و قابل بخشش نیست و اگر لست جنایتکاران را تو سیماسمراز توسط دلکخ خود آقای بیدار منتشر نکنید روزی خون پاک مینادمن توقصاب راهم را نخواهد کرد رحم به قاتلین مینای شهید بزرگ رحم به ابلیس زمان است تازمانی که نام ناقصین بشر را نشر نکنید هستی هم از سر کل شما دست بردار نیست و خوابهای جنایتکاران را که مبینند به نشر می رسانم که در حقیقت اعتراف غیر مستقیم جنایتکاران می باشد این خواب دیدن های جنایتکاران آمده دارد